

پرسش ۱۵۶: آیہی (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا).

سؤال / ۱۵۶: قال تعالى: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) ([460])، الآية تشعر بجواز الطواف، والمتعارف عن أعمال الحج أن الطواف واجب؟

حق تعالی می فرماید: (صفا، و مروه از شعایر خدا است؛ پس کسی که حج خانه را به جای می آورد یا عمره می گزارند، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد. پس هر که کار نیکی را به رغبت انجام دهد بداند که خدا شکر پذیرنده ای دانا است) ([461]). از این آیه جایز بودن طواف فهمیده می شود و حال آنکه متعارف در اعمال حج، واجب بودن طواف می باشد؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

المقصود بالحج هو: حج بيت الله الحقيقي، وهم محمد وآل محمد (عليهم السلام)، فمن حج بيت الله وأتم العشر، (مقامات الإيمان والحج)، وحج بيت الله، وأصبح (منا أهل البيت) فله أن يأكل من ثمار شجرة علم آل محمد (عليهم السلام). وهذا الجواز مقابل للمنع الذي منع به آدم (عليه السلام)، (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) ([462])، وهي شجرة علم آل محمد (عليهم السلام)، وليست الآية بحسب ظاهرها.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليمًا.

مقصود از حج، حج گزاردن خانه‌ی حقیقی خداوند است که همان محمد و آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد. کسی که حج خانه‌ی خدا گزارد و ده‌گانه را تمام کند (مقام‌های ایمان و حج) و حج خانه‌ی خدا گزارد و در زمره‌ی (از ما اهل بیت است) گردد، می‌تواند از میوه‌ی درخت علم آل محمد (علیهم السلام) بخورد و این اجازه، در برابر ممنوعیتی است که حضرت آدم (علیه السلام) از آن ممنوع شد: (و گفتیم: ای آدم! خود و همسرت در بهشت جای گیرید و هر چه خواهید و هر جا که خواهید از ثمرات آن به خوشی بخورید و به این درخت نزدیک مشوید که به زمره‌ی ستمکاران درآید) ([463]) ؛ این درخت، درخت علم آل محمد (علیه السلام) است و معنای حقیقی آیه مطابق ظاهر آن نیست.

والصفا: علي (عليه السلام)، والمروة: فاطمة (عليها السلام) ([464]).

(صفا) حضرت علی (علیه السلام) است و (مروه) حضرت فاطمه (علیها السلام)، ([465])

ولا (جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ): أي لا جناح عليه أن يأخذ منهما، فهما باب مدينة العلم (محمد (صلى الله عليه وآله وسلم))، والأخذ منهما يكون بالأخذ من الأئمة والمهدين (عليهم السلام) ، ولا بد للإنسان من السعي للوصول إلى الحج الحقيقي واستكمال درجات الإيمان العشرة، وبالتالي يكون بمرتبة: (منا أهل البيت)، فيكون له أن يأخذ من ثمار الشجرة المباركة.

(بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد) ؛ یعنی مانعی ندارد که از این دو (علم) برگیرد؛ چرا که اینها دروازه‌ی شهر علم (حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)) هستند و دریافت از آنها، از طریق دریافت از ائمه و مهديين (عليهم السلام) صورت می‌گیرد. انسان باید بکوشد تا به حج حقیقی برسد و درجات ده‌گانه‌ی ایمان را کامل کند و به دنبال آن، به جایگاه (از ما اهل بیت) نائل گردد؛ که در آن صورت می‌تواند از ثمرات این درخت مبارک، برگیرد.

أما في هذا العالم الجسماني فهذه الحالة الجسمانية وهي الذهاب إلى الكعبة وقصدها، فإنما تشير إلى الانصياع لهذا الأمر الإلهي، فهي واجبة؛ لأنها تمثل الانتمار بأمر الله.

اما در این عالم جسمانی، این حالت جسمانی که عبارت است از رفتن به سوی کعبه و آهنگ آن کردن، صرفاً اشاره دارد به گردن نهادن به این امر الهی، که واجب می باشد؛ چرا که تبلور فرمان برداری امر خداوند می باشد.

أما الوصول الحقيقي في العوالم العلوية فهو إن تحقق - بفضل الله وسعي الإنسان - فهو الخير كله، وإن لم يتحقق فالإنسان بفضل إجابته دعاء (أقبل) [466] فإنه يتقلب في جنات الله سبحانه وتعالى؛ لأنه سعى، (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) ([467])، فالسعي واجب على الإنسان ومن بدايات السعي هو الحج في هذا العالم الجسماني.

اما رسیدن حقیقی در عوالم بالا اگر به فضل خداوند و با سعی و کوشش انسان محقق شود تمامی خیر است، و اگر محقق نشود انسان به فضل پاسخ گویی اش به ندای (پیش آی) ([468]) در بهشت های خداوند سبحان و متعال متنعم می شود؛ چرا که او سعی و تلاش کرده است (و اینکه برای انسان، جز آنچه خود تلاش کرده است، نیست) ([469]). سعی و تلاش بر انسان واجب است و از ابتدایی ترین سعی ها، حج در این عالم جسمانی می باشد.

ويبقى أن الإنسان يأخذ بقدر سعيه وبفضل الله عليه، فإن وصل وحج بيت الله الحقيقي، وكان ممن أكمل مراتب الإيمان العشرة، وكان منا أهل البيت بالحقيقة، جاز له قطف ثمار الشجرة والأكل منها، كما أن الذي يحج الكعبة يجوز له السعي بين الصفا والمروة، بل هي واجبة باعتبار ما قلت إنها مقدمات إجابة دعاء الله سبحانه عبده بالإقبال عليه سبحانه ([470]).

مطلبی که باقی می ماند این است که انسان به مقدار تلاش خود و به اندازهی فضل خداوند بر او، توشه برمی گیرد. اگر برسد و خانهی حقیقی خداوند را حج گزارد، و جزو

کسانی باشد که به مراتب ده‌گانه‌ی ایمان نایل شده باشد، و (از ما اهل بیت) گردد، می‌تواند از درخت علم آل محمد (علیهم السلام) میوه‌ها بچیند و از آنها بخورد؛ همان طور که هر کس حج کعبه را به جا می‌آورد، مجاز است بین صفا و مروه سعی کند؛ با توجه به آنچه گفتیم، واجب می‌باشد؛ چرا که از مقدمات اجابت ندای خداوند سبحان به بنده‌اش برای رو کردن به سوی او سبحان می‌باشد. ([471])



[460] - البقرة : 158.

[461] - بقره: 158.

[462] - البقرة : 35.

[463] - بقره: 35.

[464] - مما ورد أن دابة الأرض - وهي إنسان كما توضح في مواضع متعددة من المتشابهات - تخرج بين الصفا والمروة أي علي وفاطمة عليهما السلام، فعن علي بن مهزيار عند لقائه بالإمام المهدي (عليه السلام): (. . . فقلت يا سيدي متى يكون هذا الأمر؟ فقال: إذا حيل بينكم وبين سبيل الكعبة، واجتمع الشمس والقمر واستدار بهما الكواكب والنجوم، فقلت: متى يا بن رسول الله؟ فقال لي: في سنة كذا وكذا تخرج دابة الارض من بين الصفا والمروة، ومعه عصا موسى وخاتم سليمان، يسوق الناس إلى المحشر) غيبة الطوسي: ح 228. ومعنى ذلك: أن هذا الإنسان يكون من علي وفاطمة عليهما السلام ويخرج منهما وكذا بينهما، فهو منهما لأنهما أبواه، وكذا يخرج بينهما في هذا العالم؛ لأن البصرة - التي ينتسب لها أول المهديين - تقع بين النجف حيث أمير المؤمنين (عليه السلام) والمدينة المنورة حيث موضع فاطمة عليها السلام، فيكون خروج دابة الأرض والمهدي الأول بين الصفا والمروة، والله أعلم وأحكم.

[465] - از آنچه پیش‌تر ارایه شد مشخص شد که دابة الارض (جنبنده‌ی زمین) - که همان طور که در موارد متعدد در متشابهات توضیح داده شد یک انسان می‌باشد - از بین صفا و مروه یعنی علی و فاطمه ع خارج می‌شود. از علی بن مهزيار هنگام دیدارش با امام مهدی ع روایت شده است: عرض کردم: آقای من! این امر چه هنگام خواهد بود؟ فرمود: (آنگاه که میان شما و راه کعبه جدایی افتد، و خورشید و ماه با هم جمع گردند و کواکب و ستارگان به آنان بیوندند). پس گفتیم: ای فرزند رسول خدا! آن، چه هنگام خواهد بود؟ به من فرمود: (در سال فلان و فلان جنبنده‌ی زمین از بین صفا و مروه برمی‌خیزد در حالی که عصای موسی ع و انگشتری سلیمان ع با او است و مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد) (غیبت طوسی: ح 228)؛ و معنای آن چنین است که این انسان از علی و فاطمه ع می‌باشد و از آنها و همچنین از میان آنها خارج می‌شود. پس او از آنها می‌باشد چرا که آنها والدینش هستند و به همین صورت، در این عالم نیز از میان آنها خارج می‌شود؛ چرا

که بصره - که مهدی اول به آن منتسب می‌باشد - میان مکان امیر المؤمنین ع یعنی نجف و مکان حضرت فاطمه ع یعنی مدینه می‌منوره می‌باشد؛ پس خارج شدن دابة الارض یا همان مهدی اول از میان صفا و مروه می‌باشد؛ والله اعلم و احکم.

[466] - إشارة الى حديث خلق العقل والجهل .

[467] - النجم : 39.

[468] - اشاره ای به حدیث خلقت عقل و جهل.

[469] - نجم: 39.

[470] - والحديث معروف : (إن الله عز وجل خلق العقل وهو أول خلق من الروحانيين عن يمين العرش من نوره فقال له :

أدبر فأدبر، ثم قال له: أقبل فأقبل، فقال الله تبارك وتعالى: خلقتك خلقاً عظيماً وكرمتك على جميع خلقي ، قال : ثم خلق

الجهل من البحر الأجاج ظلمانياً فقال له: أدبر فأدبر، ثم قال له: أقبل فلم يقبل فقال له: استكبرت، فلعنه) أصول الكافي :

ج 1 ص 31.

[471] - حديث معروف (خداوند عزوجل عقل را آفرید، و او اولین مخلوق از روحانیون از سمت راست عرش از نورش بود. به او

فرمود: برو؛ و او پشت کرد. سپس فرمود: پیش آی؛ پس او پیش آمد. خداوند تبارک و تعالی فرمود: تو را بر خلقی عظیم آفریدم

و برای تمامی مخلوقاتم برتری دادم. می‌فرماید: سپس جهل را از دریای شور تشنگی پدید آورد و به او فرمود: برو؛ پس او پشت

کرد. سپس به او فرمود: پیش آی؛ و او پیش نیامد. پس به او فرمود: تکبر کردی؛ و لعنتش نمود). اصول کافی: ج 1 ص 31.